

پیش‌خوان

حاشیه‌ای بر انتشار یادنامه آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی

بانی تحولات شگرف در حوزه علمیه

■ **شاهد توحیدی**



آیت‌الله میلانی از مراجع تقلید شیعه در دوران معاصر است که علاوه بر جایگاه علمی و فقهی، در تحولات سیاسی وفرهنگی دهه ۴۰ و ۵۰ایران حضور چشمگیری داشت چنانکه

می‌توان وی را از پایه‌گذاران نظام نوین آموزشی در حوزه‌های علمیه به‌شمار آورد. ایشان در هشتم محرم ۱۳۱۳ق مصادف با۲۷۴۴ش در نجف اشرف به دنیا آمد و در روز جمعه ۲۹ رجب ۱۳۹۵ق مصادف با۱۷ مرداد۱۳۵۴ش در مشهدمقدس رحلت کرد. زندگانی ایشان را می‌توان در سه مرحله توصیف کرد:

۱- دوران نجف (۴۳ سال)
این دوره از ولادت، یعنی ۱۳۱۳ق تا سال۱۳۵۶ق ادامه دارد و ۴۳ سال به طول می‌انجامد.ایشان در این دوران درس خود را از ابتدا تا سطوح عالی‌ه در حوزه علمیه نجف سپری می‌کند و علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، علوم دیگری چون تفسیر، ریاضیات،فلسفه،حدیث و اخلاق را نزد استادان برجسته آن زمان تلمذ می‌کند.وی در نجف اشرف نخست به تدریس سطوح عالی‌ه و سپس به تدریس خارج فقه و اصول می‌پردازد. در همین دوره با جمعی از بزرگان نجف و همدرمان‌های خود، چون سیدمحمدحجت کوه‌کمرهای، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، شیخ علی قمی و سیدصدرالدین جزایری و مقاله‌ه و تصحیح کتاب مسائل الشیعه می‌پردازند و کتاب را بنسخه شیخ حر قلمبه می‌کنند.این مباحثه علمی هشتادسال به‌درازا می‌انجامد چنانکه در همین دوره همراه دیگر عالمان در جنگ مردم عراق علیه‌انگلیس شرکت می‌کند.

۲- دوران کربلا(۱۷سال)
از سال۱۳۵۶ق تا هنگام عزیمت به مشهد، یعنی ۱۳۷۲ق که ۱۷ سال به‌درازا می‌کشد، در کربلا زندگی می‌کند. سبب این مهاجرت، ابتلای خود و همسرش به بیماری تب شدیدی است که پس از بهبودی به درخواست فضلا و وساطت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین قمی در کربلا اقامت کرد. وی در این ایام جز تدریس در خارج فقه و اصول که اکثر ایواب



آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی حسینی میلانی

فقهی‌را شامل می‌شد، به تدریس تفسیر و تجریدالاعتقاد خواجه‌نصیرالدین طوسی اهتمام داشت و کتاب تفسیر سورجمعه و تغابن محمول بخشی از این ایام است.
۳- دوران مشهد(۲۲ سال)
ایشان در روز عرفه ۱۳۷۲ق مصادف با۱۸ مرداد۱۳۳۲ش وارد مشهدمقدس شد و تا پایان عمر، یعنی ۲۹ رجب۱۳۹۵ق مصادف با ۱۷ مرداد۱۳۵۴ش به مدت ۲۲ سال در این شهر زندگانی کرده است. شخصیت علمی و عملی آیت‌الله‌میلانی در دوران سکونت در مشهد مقدس ظهور و بروز می‌یابد. در این ایام علاوه بر تدریس، به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اشتغال داشته است و خدمات ایشان در زمینه‌های تأسیس مدارس علمیه، اعزام مبلغ، ملاقات با شخصیت‌های جهان اسلام و همه در این مقطع از عمرشان اتفاق افتاده است.

ایده بزرگداشت آیت‌الله میلانی با خاندان آن مرحوم در میان گذاشته شد و مورد استقبال قرار گرفت. در آن زمان فرزند برومندایشان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی میلانی در قید حیات بود و جلسه‌ای را دوستان بر گزار کنند با ایشان در مشهد داشتند ولی اجل وی را مهلت نداد. البته کار با دیگر خاندان آیت‌الله میلانی یعنی آیت‌الله سیدفاضل میلانی و برادر ایشان مرحوم آیت‌الله سیدعلی میلانی (فرزندان مرحوم آیت‌الله سیدعباس میلانی) و آیت‌الله سیدعلی میلانی (فرزند آیت‌الله سیدنورالدین میلانی) ادامه پیدا کرد. گرچه در این فاصله آیت‌الله سیدعلی میلانی (فرزندسیدعباس) نیز به رحمت‌آزادی پیوست آنچه از کارهای علمی در این دو سال و اندی و با فراز و فرودهای فراوان به ثمر نشست و ان‌شاءالله در همایش عرضه می‌گردد عبارتنداز:

۱. مقالات(حاوی نوشتارهایی در معرفی و تبیین شخصیت و اندیشه‌های آیت‌الله میلانی)
۲. مصاحبه‌ها(شامل گفت‌وگوهایی با شاگردان و نزدیکان ایشان)
۳. مکاتبات (حاوی نامه‌های آیت‌الله میلانی به شخصیت‌ها و عالمان معاصر خود)
۴. اسناد(حاوی اسناد منتشر نشده ساواک درباره آیت‌الله میلانی)

۵.شناختنام‌الحولی گزیده‌نوشته‌های پیشین در تبیین شخصیت، آثار و اندیشه‌های آیت‌الله میلانی)
۶.کلمات(شرح کلمات معارفی و اخلاقی حاوی ۱۶۸ کلمه از آیت‌الله میلانی که به صورت فرازهایی مستقل نوشته شده و تاکنون در جایی منتشر نشده‌است)

طبیعی است که این مجموعه توسط محققان و نویسندگان گوناگون به نگارش در آمده یاد مصاحبه از سوی شخصیت‌هایی با آرا و نظریات متفاوت بیان شده و الزامیابن نظرات بر گزار کنندگان نیست. با احترام و تشکر از آنان این نظرات بزرابن یافته‌است.

عاریخ

کفت وگوم ۸۸۴۹۸۴۷۹



ناصرالدین شاه قاجار، میرزا حسین خان سپهسالار و زمینه‌های یک سفر بحث‌برانگیز

سفر فرنگ، به مثابه شرط دولت انگلیس برای زمامداری!

■ **احمد رضا صدری**
زمانه و کارنامه میرزا حسین خان سپهسالار به عنوان یکی از شاخص‌ترین صدرا عظم‌های دوره ناصری، از رهیافت‌های مهم شناخت این دوره از تاریخ ایران است. در دوران او رویدادهای مهم و شاخصی اتفاق افتادند که بی‌شک سفر ناصرالدین شاه قاجار به فرنگ در عداد آنهاست. به هر روی همانگونه که از تاریخ می‌پد، این دوره از تاریخ ایران نفوذ است و دوره پهلوی دوره سلطه و هم از این‌روی در شناخت ردپای نفوذ، باز کاوی این دست از نکات ضرورت دارد. در مقالی که هم آینک پیش‌روی شماست، زمینه‌ها و پیامدهای این مسافرت مورد خوانش قرار گرفته است. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

یکی از اقدامات بحث‌برانگیز میرزا حسین خان سپهسالار در مقام صدارت اعظم دولت ایران، ترمیم و سراسر انجام بردن ناصرالدین نجف‌شاه را، سفر فرنگ در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۲۹۵ هجری قمری بوده‌است. تا این زمان هیچ کدام از پادشاهان ایران به ممالک اروپایی پای نگذاشته بودند. مسافرت و دید و بازدید شاهان و رؤسای کشورها به شکل فعلی با تحولات صنعتی و سیاسی دور قرن اخیر همراه بوده‌است. قبل از آن به ندرت پادشاهان و امیران بلندمرتبه تن به این نوع سفرها داده‌اند و اندک مسافرت‌های صورت گرفته از کشورهای همسایه بوده و از آن با فزاتر نمی‌نهادند. با این حال پس از تحولات صنعتی و ایجاد بلوک قدرتمند صنعتی – سیاسی غرب به رهبری انگلیس و فرانسه در قرن گذشته سلاطین کشورهای که قبله آمال خود را اصلاحات غربی می‌دیدند یکی پس از دیگری به آن دیار کشانده، م‌قهور تحولات صنعتی و مر عوب قدرت نظامی و دیپلماسی آنان شدند و مایوس و متفرعن از آنچه خود داشتند به وطن مراجعت کردند. از جمله حاکمانی که در قرن گذشته شیفته غرب شدند و در پی افکندن کشور نو و تقلید از اصلاحات غرب به انگلیس سفر کردند، پادشاهان عثمانی، ژاپن و ایران بودند. این سه کشور در قرن نوزدهم میلادی در معرض افکار غربی و تجددمآبانه قرار گرفتند و خواستار پیاده کردن نظامات غربی در کشورهایشان شدند.

■ **تعمیم ارزش‌های غربی از طریق مجذوب کردن شاه**
یکی از شروطی که انگلیس در بدو صدارت سپهسالار با وی انجام داد، بردن شاه ایران به انگلیس بود. این سفر از جنبه‌های مختلف برای امپراطوری انگلیس مهم بود. ایران کشوری بزرگ است که در مرز غربی مستعمره بزرگ انگلیس، یعنی هندوستان قرار داشت. همچنین همسایه جنوبی ابر قدرت رقیبش روسیه بود.

همراهی تمام عیار شاه و صدراعظم ایران با سیاست‌های انگلیس کلید حفظ مستعمرات و اجرای مقاصد این ابر قدرت در شرق به حساب می‌آمد. به علاوه غرب در پی اشاعه فرهنگ لیبرالیستی و پارلمنتاریستی بر جهان بود و در ایران به واسطه تحصیل جوانانش در انگلیس و فرانسه تب روشنفکری غربگرا بالا گرفته بود. تحصیلکردگان فرنگ، بر مصادر کلیدی کشور تکیه زده بودند و میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت یکی از آنها به شمار می‌رفت و حالا نوبت به تعمیم ارزش‌های غربی از طریق مجذوب

کردن شاه رسیده بود؛ از این‌رو بی‌جهت نیست که انگلیس در زمره چهار شرط خود برای صدارت سپهسالار تعهد بردن شاه به انگلیس را قرار داد. میرزا حسین خان سپهسالار مترصد برانگیختن خیال شاه به این سفر از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا سرانجام در سال ۱۲۸۹ پس از آنکه قرارداد رویتر را منعقد نمود سسر خوش از این پیروزی مقدمات سفر شاه فراهم آورد و برای ترتیب هماهنگی‌های لازم، میرزا ملکم‌خان مشاور عالی خود را به عنوان سفارت فوق‌العاده و تام‌الاختیار روانه انگلیس کرد. هدف مهم سپهسالار از بردن شاه به فرنگ، هماهنگ کردن شاه با اندیشه‌های خودش در ترویج و پیاده کردن اصلاحات غربی در کشور بوده است. چنانکه در تاریخ آمده است: «به طوری که میرزا حسین خان در نوشته‌هایش مدعی است مقصودش از بردن شاه به فرنگستان نشان دادن ترقیات اروپا و عقب ماندن ایران را از آن ترقیات به نظر او برساند و شاه را به تقلید از عثمانی‌ها به قبول عادات و رسوم اروپا آشنا سازد.»

فریدون آدمیت در بیان انگیزه سپهسالار به انجام این سفر می‌نویسد: «به خیال میرزا حسین خان این سفر شاهراه بزرگی به روی ترقی ایران خواهد گشود. حتی در تشویق شاه گفت ار مغان این سفر معظم‌تر از فواید سفر نادر به هندوستان خواهد بود.»
میرزا حسین‌خان به وسیله مطبوعاتی که راه



میرزا حسین خان سپهسالار

همراهی تمام عیار شاه و صدراعظم ایران با سیاست‌های انگلیس کلید حفظ مستعمرات و اجرای مقاصد این ابر قدرت در شرق به حساب می‌آمد. به علاوه غرب در پی اشاعه فرهنگ لیبرالیستی و پارلمنتاریستی بر جهان بود و در ایران به واسطه تحصیل جوانانش در انگلیس و فرانسه تب روشنفکری غربگرا بالا گرفته بود. تحصیلکردگان فرنگ، بر مصادر کلیدی کشور تکیه زده بودند و میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت یکی از آنها به شمار می‌رفت و حالا نوبت به تعمیم ارزش‌های غربی از طریق مجذوب

میرزا حسین خان سپهسالار در کنار ناصرالدین شاهقاجار در سفر به فرنگ

به‌رغم تبلیغات فزاینده و عوامفریبی‌های سپهسالار در بیان مزیت سفر فرنگ، شاه در بادی امر میلی به این سفر دور و دراز و نازآموده نشان نمی‌داد. وی به این سفر با دیده یک سفر تفریحی می‌نگریست، زیرا هیچ برنامه‌ای که نیاز به چانه‌زنی سیاسی و گرفتن امتیاز باشد طراحی نشده بود… طی سفر نیز معلوم شد ورای دید و باز دیدهایی که سیاحان و جهانگردان به عمل می‌آوردند، کار جدی و مهمی صورت نگرفته است

خوب باید کرد در این زمستان، کارها را باید به خدا واگذاشت زیاده فرمایش نبود.»

همانطور که بیان شد چون این سفر ابعاد کاری نداشت و بیشتر جنبه تفریحی داشت شاه در جواب میرزا حسین‌خان می‌نویسد به عوض این راه دور و دراز و پر زحمت، در داخله سفرهای خوبی مطابق فصل انجام می‌دهیم و به کلی از فکر این سفر فارغ می‌شود. اما سپهسالار که انجام این سفر یکی از شروط صدارتش بود، نمی‌توانست در مقابل تعهدی که به انگلیس سپرده بود کوتاه بیاید؛ لذا با لطایف الحیل و بزرگنمایی نتایج این سفر شاه را به قبول آن وادار ساخت. آدمیت در اینباره می‌نویسد: «صدراعظم به استتخاره اعتقاد نداشت، در نیکیوی سفر برهان آورد و رأی خود را بر شاه پذیراند.»

■ **و سرانجام سفر ۵ ماهه**

بالاخره میرزا حسین‌خان بوجه ناچیز خزانه را در بحبوحه فحطی سال‌های بی‌دری دهه ۸۰قرن سیزدهم که جمعیت ایران را به نصف تقلیل داده بود، در کیسه ریخت و خرج سفری پرخرج‌ینه و بی‌سود کرد. سرانجام این سفر از ۲۱ صفر ۱۲۹۰ هجری قمری از تهران شروع شد و به ترتیب این کشورها را بازدید کردند: روسیه، آلمان، بلژیک، انگلیس، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و از راه عثمانی از طریق قفقاز پس از پنج ماه در نیمه رجب همان سال به ایران مراجعت کردند. در حین عبور، از این کشورها شاه، سپهسالار و هیئت همراه به خوبی استقبال شدند آنچنان که خودشان باور نداشتند. چنانکه امیر کابل و خلیفه عثمانی مورد احترام فوق‌العاده در سفرهایشان به سرزمین‌های غربی قرار گرفته بودند اما در وی این لبخندهای ظاهری، غرب در فکر نفوذ هر چه بیشتر و کنترل مقدرات این کشور به منظور رسیدن به اهداف استعماری خود بود. در جریان این سفر و سفر بعدی است که شاه را به اجبار وادار به پذیرش عهدنامه جدایی بخش‌هایی از سرزمین‌های شرقی کشور نمودند، پای نظامیان بیگانه را به ایران کشاندند و شاه در بازگشت به فکر تأسیس نظامات غربی افتاد و روشنفکران غریزه با شتاب بیشتر به فرنگی کردن آداب و سنن و قوانین مملکت مشغول شدند. دکتر بلوک یک سیاستمدار غربی که قحطی سال ۱۲۸۸ق ایران را با چشم خود دیده است، می‌نویسد: «حق این بود که میرزا حسین‌خان سپهسالار هم خود را صرف رف و ذلت و بدبختی سکنه این شهر کند تا اینکه شاه را برداشته به اروپا ببرد و پول‌ها را صرف عیاشی شاه و درباریان کند!»

■ **تأثیرات یک سفر بر سیاست ایران**
نویسنده تاریخ روابط خارجی ایران تأسیس «مشورت‌خانه دولتی» پس از بازگشت شاه از سفر اول را از نتایج تأثیر این سفر می‌شمارد: «شاه متأثر از پارلمان‌های اروپایی که در بازدید دیده بود به فکر یک «مشورت‌خانه دولتی» افتاد و به خط خود دستوری نوشت.» دامنه تغییر آداب و رسوم ملی و اسلامی به سبک غربی پس از این سفرها شتاب گرفت و گرایش شخص شاه به وجهه نظر و گرایش غربی‌ها بیشتر شد و از دیدگاه آنها به حسن و قبح کارها می‌نگریست. شاه در نامه‌ای که به این سفر با دیده یک سفر تفریحی می‌نگریست، زیرا هیچ برنامه‌ای که نیاز به چانه‌زنی سیاسی و گرفتن امتیاز باشد طراحی نشده بود. طی سفر نیز معلوم شد ورای دید و بازدیدهایی که سیاحان و جهانگردان به عمل می‌آوردند، کار جدی و مهمی صورت نگرفته است. شاه ناچار برای راهی از سر درگمی تن به استتخاره داد. شاه طی نامه‌ای ماجرای دودلی خودش و متوسل شدن به استخاره و جواب منفی آن را به سپهسالار نگاشت و از وی خواست از سفر فرنگ چشمپوشی کند و به عوض این سفر طولانی، در داخل کشور به سفرهای تفریحی بپردازند: «جناب صدراعظم، چون سفر فرنگستان کار عمده‌ای بود، برای تسلیم خاطر لازم شد استخاره به قرآن بشود که اگر خوب آمد به جد تمام مشغول بشویم، اگر بد آمد از صرافت بیغیم.

امروز به آقا سید صادق نوشتم بدون اینکه مطلب را بفهمد، نیت را استخاره کرد. اول آه میانه مایل به بد آمد. برای رفع تردید دوباره استخاره شد، بسیار بد آمد. آه مبارک را فرستادم ببینید. حال که خدا مصلحت ندانست باید کلیتا از این صرافت افتاد؛ با شازز دافر روس، وه، دیگر مذاکره نشود از اطرش هم دعوتی نشود. ان‌شاءالله در داخل سفرهای به‌رغم تبلیغات فزاینده و عوامفریبی‌های سپهسالار در بیان مزیت سفر فرنگ، شاه در بادی امر میلی به این سفر دور و دراز و نازآموده نشان نمی‌داد. وی به این سفر با دیده یک سفر تفریحی می‌نگریست، زیرا هیچ برنامه‌ای که نیاز به چانه‌زنی سیاسی و گرفتن امتیاز باشد طراحی نشده بود. طی سفر نیز معلوم شد ورای دید و بازدیدهایی که سیاحان و جهانگردان به عمل می‌آوردند، کار جدی و مهمی صورت نگرفته است. شاه ناچار برای راهی از سر درگمی تن به استتخاره داد. شاه طی نامه‌ای ماجرای دودلی خودش و متوسل شدن به استخاره و جواب منفی آن را به سپهسالار نگاشت و از وی خواست از سفر فرنگ چشمپوشی کند و به عوض این سفر طولانی، در داخل کشور به سفرهای تفریحی بپردازند: «جناب صدراعظم، چون سفر فرنگستان کار عمده‌ای بود، برای تسلیم خاطر لازم شد استخاره به قرآن بشود که اگر خوب آمد به جد تمام مشغول بشویم، اگر بد آمد از صرافت بیغیم.

امروز به آقا سید صادق نوشتم بدون اینکه مطلب را بفهمد، نیت را استخاره کرد. اول آه میانه مایل به بد آمد. برای رفع تردید دوباره استخاره شد، بسیار بد آمد. آه مبارک را فرستادم ببینید. حال که خدا مصلحت ندانست باید کلیتا از این صرافت افتاد؛ با شازز دافر روس، وه، دیگر مذاکره نشود از اطرش هم دعوتی نشود. ان‌شاءالله در داخل سفرهای به‌رغم تبلیغات فزاینده و عوامفریبی‌های سپهسالار در بیان مزیت سفر فرنگ، شاه در بادی امر میلی به این سفر دور و دراز و نازآموده نشان نمی‌داد. وی به این سفر با دیده یک سفر تفریحی می‌نگریست، زیرا هیچ برنامه‌ای که نیاز به چانه‌زنی سیاسی و گرفتن امتیاز باشد طراحی نشده بود. طی سفر نیز معلوم شد ورای دید و بازدیدهایی که سیاحان و جهانگردان به عمل می‌آوردند، کار جدی و مهمی صورت نگرفته است. شاه ناچار برای راهی از سر درگمی تن به استتخاره داد. شاه طی نامه‌ای ماجرای دودلی خودش و متوسل شدن به استخاره و جواب منفی آن را به سپهسالار نگاشت و از وی خواست از سفر فرنگ چشمپوشی کند و به عوض این سفر طولانی، در داخل کشور به سفرهای تفریحی بپردازند: «جناب صدراعظم، چون سفر فرنگستان کار عمده‌ای بود، برای تسلیم خاطر لازم شد استخاره به قرآن بشود که اگر خوب آمد به جد تمام مشغول بشویم، اگر بد آمد از صرافت بیغیم.

روزنامه جوان | شماره ۵۶۵۵

سرانجام میرزا حسین‌خان سپهسالار تعهدنامه جدا شدن بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان ایران را امضا کرد. در اینباره نوشته‌اند: «ایران رأی گلداسمید در مورد حدود مرزی سیستان را نپذیرفت؛ لذا مأموران حکم انگلیسی دست‌خالی به انگلیس مراجعه کردند اما در سال بعد هنگامی که شاه ایران در سال ۱۸۷۳ میلادی (۱۲۹۰ هجری قمری) به انگلیس رفت، دولت انگلیس رضایت شاه را به دست آورد و نتیجه حکمیت گلداسمید را نپذیرفت و سپهسالار آن را امضا کرد.»

■ **سپهسالار و بستر سازی برای سفر دوم!**

همانگونه که اشارت رفت، سفر اول شاه و سپهسالار پس از پنج ماه گردش در کشورهای اروپایی در ۱۴ شعبان با ورود به بندر انزلی ایران پایان یافت و در همان محل ورود میرزا حسین‌خان از صدارت معزول شد. سپهسالار در سال ۱۲۹۵ هجری قمری بار دیگر شاه را برای سفر به اروپا آماده کرد. این سفر ۱۵روز از عید گذشته در سال ۱۲۹۵ هجری‌قمری شروع شد و در نهم شعبان همین سال به تهران مراجعت کردند و همچون سفر گذشته سپهسالار شخص اول بود. در بازگشت از این سفر به موجب مرحمت‌های ویژه شاه، سپهسالار نهایت اقتدار را در کشور پیدا کرد و هر چه می‌خواست به جا آورد.

از مهم‌ترین رهاوردهای سفر دوم شاه و سپهسالار به اروپا پذیرش افسران اتریش و روسی برای تربیت قشون ایران و تأسیس قشون نمونه اتریشی و قزاقخانه روسی در ایران بود که در فصل اقدامات نظامی سپهسالار شرح آن خواهد گذشت.

در این دو سفر سپهسالار با انگیزه آشنا کردن ناصرالدین شاه با آداب و رسوم اروپایی و همراه کردن او با اقدامات خودش در ایران بوده‌جه و امکانات ناچیز کشور را برای ماه‌ها عیاشی هیئت پر تعداد و پر خرج شاه و درباریان صرف نمود. در این سفرها چیزی جز شدت بدبختی در معیشت مردم و وابستگی سیاسی و فرهنگی لرزان‌تر شدن پایه‌های نیم بند استقلال، عاید کشور نشد. بعدها این رویه از سوی محمدعلی رفغی(ذکاءالملک) یکی دیگر از روشنفکران وابسته به فرهنگ غربی، پی گرفته شد و رضاشاه به سفر ترکیه که کاملاً به غرب پیوسته بود، برده شد و حاصل آن سفر کشف حجاب و تغییر لباس و است‌که ایرانی بود.

جالب این است که در پی این سفرها هرگز نه صنعتی در کشور ایجاد شد و نه پیشرفت علمی در مدارس و دانشگاه‌ها. آنچه به بار نشست تغییر فرهنگ عمومی ملی و رواج فرهنگ نفرت‌خیزی بود و این نتیجه طبیعی تهام فرهنگی غرب بود که در پس شعارهای فریبنده قرار داشت.

■ **کلام آخر**

شناخت منظر و نوع داوری سپهسالار درباره دین و روحانیت، می‌تواند مکمل آنچه در فوق بدان اشارت رفت قلمداد شود. امین الدوله در خاطرات سیاسی خود در اینباره می‌نویسد: «از نظر اعتقادات مذهبی و رابطه با روحانیون مشیرالدوله چندان پایبندی به مذهب نداشت، به دین، مذهب و اصول مسلم شریعت اسلامی توجهی مذبول نداشت و بیشتر معتقد به افسوس و عا بود. در زمان صدارت وی دراویش صاحب نفس و رمال بازار گرمی داشت.»

نظر سپهسالار را در مورد روحانیان می‌توان از نامه خصوصی او به مستشارالدوله در است: «از تعامد من در باره حضرت ملاها بر این است: که ایشان را باید در کمال احترام و اکرام نگاه داشت و جمیع امراتی که تعلق به آنها دارد، از قبیل نماز جماعت و موعظه به قدری که ضرر به جهت دولت وارد نیآورد ، اجرای صیغه عقد و طلاق و حل مسائل شرعیه یا متعلق بها را به ایشان واگذار نموده به قدر ذر‌های در امورات حکومتی، آنها را مداخله نداد و مشارالیهم را ابتدا واسطه قیاماند دولت و ملت ترک کرد والا وسیله بی‌انظامی‌ها می‌شود، چنانکه شده‌است.»

هم از این روی است که آیت‌الله‌العظمی حاج ملاعلی‌کیا در نامه‌ای به ناصرالدین شاه ماهیت به اصطلاح اصلاحات سپهسالار را به نیکی شناخته و درباره آن می‌نویسد: «کلمه قبیحه آزادی… به ظاهر خیلی خوش ناماست و خوب و در باطن سراسرا نقض است و عیوب و این مسئله بر خلاف جمیع احکام رسل و اوصیا و جمیع سلاطین عظام و حکام والا مقام است. به این جهت در نوشته دیگری نوشته بود: علی‌الاسلام سلام و دولت را وداع تام و تمام باید نمود به واسطه اینکه اصل شرایع و ادیان در هر زمان خود قید محکم و سخت بوده و می‌باشد که از تکاب مناسی و محرمت‌نماید معترض اموال و ناموس مردم نشود. بر خلاف مقاصد و انتظام دولت و سلطنت است که هر کس هر چه بخواهد بگوید و از طریق تقلب ، فساد و نهب اموال – غارت – نماید و بگوید آزادی است و شخص اول مملکت همه را آزاد کرده و در معنی یکی دیگر از پیامدهای سفر اول شاه پذیرش حکمیت ذلت‌نبار انگلیس درباره سیستان و بلوچستان بود. این حکمیت در سال ۱۲۸۹ هجری قمری در تهران امضا شد و در پی آن فرماننامه صادر و شاه پذیرش آن امتناع کرد و هیئت انگلیسی دست‌خالی مراجعت کردند اما دولت انگلیس در زمان حضور شاه در آن کشور وی را به قبول آن وادار و خانه‌نشین و عاجز نموده‌است.»